

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

ع. شفق

۰۱ فبروری ۲۰۱۴

فساد و دزدی، ذاتی ساختار جمهوری اسلامی است!

این روزها افشای پی در پی گوشه ای از دزدی های میلیاردی گردانندگان جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، به یکی از مسایل روز جامعه تبدیل شده و خشم و نفرت بیکران توده های تهیدست و گرسنه و محتاج نان شب از این رژیم ضد خلقی و فاسد را، بیش از پیش برانگیخته است. در این شکی نیست که فساد، همواره جزء لاینفک و ساختاری نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما بوده است. اما به حق باید گفت که سران رژیم جمهوری اسلامی مدعی برقراری "عدل علی" در "کشور امام زمان"، در طول سی و چند سال اخیر در زمینه رواج فساد و دزدی و ارتشاء و غارتگری از "بیت المال" در اشکال مختلف، فساد در زمینه اقتصادی را به حد کمال رسانده اند. کار به جایی کشیده که حتی صدای برخی از خود بالائی ها که از عواقب مخرب و تأثیر این غارتگریها بر اقشار و طبقات تحت ستم جامعه بیمناکند، نسبت به شدت و حجم این دزدی ها درآمده و اینها برخی با گرفتن پز مخالفت با فساد، فریبکارانه اعتراف می کنند: "متأسفانه، طی يك دهه اخیر فسادهای مالی متعددی در بدنه اجرائی کشور رخ داد که در طول تاریخ ایران بی سابقه بود." (پایگاه اینتر نت "سلام نو"، ۸ دی ماه [جدی] ۱۳۹۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی)

در چنین فضائی ست که ما شاهدیم هنوز مدت کوتاهی از اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در سیستم بانکی و بیمه کشور با مشارکت تنی چند از وزراء و نمایندگان مجلس ضد خلقی نگذشته، معلوم می شود که ولی فقیه جمهوری اسلامی تحت پوشش بنیاد های وابسته به خود ۹۲ میلیارد دالر به جیب زده است. کمی بعد در اثر تشدید تضادهای بین دزدهای حاکم، ماجرای حیرت انگیز سوء استفاده های میلیاردی از صندوق سازمان تأمین اجتماعی که مستقیماً به کارگران تعلق داشت افشاء می شود. بعد، "زمین خواری" لاریجانی ها و سپس دزدی دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالری بابک زنجانی و مافیای دولتی ای که از وی حمایت می کردند افشاء گردید. که در این مورد روشن شد چند وزیر ضد خلقی کابینه احمدی نژاد از جمله وزرای نفت و اطلاعات پشتیبان نامبرده بوده اند.

به این ترتیب بود که گوشه ای از حجم غیر قابل تصور غارت "بیت المال" توسط گرگ های حاکم در انظار عمومی به نمایش درآمد. البته ابعاد فساد و دزدهای انجام گرفته توسط سران دزد و فاسد حکومت تنها به داخل کشور محدود نیست و هم اکنون پای این رژیم در اقتضاح مالی که ارزش بخشی از آن تا ۱۰۷ میلیارد دالر (یعنی برابر تمام درآمد نفتی ۸ ساله دولت هشتم) تخمین زده شده در کشور ترکیه گیر کرده و این یکی از بزرگترین رسوائی ها را چه برای سرمایه داران و مقامات دولتی ترکیه و چه برای جمهوری اسلامی به بار آورده است. عواقب افشای اقتضاح پولشویی صد میلیاردی اخیر در ترکیه - که هزینه اش از اموال متعلق به توده های محروم ما مهیا شده - و بازتاب های سیاسی آن آنقدر گسترده گشت که در چارچوب رشد تضادهای درونی هیأت حاکمه ترکیه، به استعفای ده ها وزیر و مقام اجرائی

این کشور در هفته های اخیر انجامید. به قول برخی نمایندگان مجلس ترکیه، "دولت" را در معرض "فروپاشی" قرار داد. اما در کشور "امام زمان"، متهمین اصلی این فساد مالی بی سابقه، همچون سایر دزد های حاکم همچنان در مسند وزارت و کرسی مجلس باقی مانده اند بدون آن که تاکنون خم به ابرو بیاورند. در عوض، در نتیجه پیامدهای جنایتبار و خاموش این گونه غارتگری ها و دزدی ها که توسط دزدان حاکم در جامعه تحت سلطه ما به طور روزمره و حتی لحظه به لحظه اتفاق می افتد، می بینیم که چگونه هر روز هیولای فقر و گرسنگی و بیکاری و فحشاء و... پنجه های خونین خود را در پیکر نحیف بخش بزرگتری از اقشار میلیونی کارگر و زحمتکش و تهیدست ما فرو کرده و آنها را محکوم به آوارگی، گرسنگی، کارتن خوابی و مرگ تدریجی در فقر و درد می کند.

نمونه ای از دزدی هائی که در فوق به آنها اشاره شد تنها بخش کوچکی از نوک قله کوه پخی ست که در اوضاع فعلی خود را نمایان کرده است. این نمونه ها پیش از هر چیز از وجود یک فساد ساختاری در نظام سرمایه داری حاکم بر کشور ما حکایت می کنند. فسادی که سرخ آن در دست بزرگترین دزدان تاریخ معاصر ایران یعنی سردمداران جمهوری اسلامی می باشد و عامل تداوم و تضمین آن نیز بر خورداری از امتیازات دولتی و در زیر سایه دیکتاتوری و زور سازمان یافته ماشین سرکوب است. درک این حقیقت، به طور مؤخر از میان اعترافات گاه و بیگاه برخی دست اندرکاران خود رژیم نیز میسر است. به طور مثال خبرگزاری مهر به نقل از یکی از اعضای هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، به نام محمد دهقان، می نویسد: "برخی به برکت انقلاب و مسؤلیتی که بر عهده داشتند امروز به سرمایه داران بزرگی تبدیل شده اند و این در حالی است که هیچ اقدامی نسبت به آنها صورت نگرفته است و نام آنها نیز از سوی قوه قضائیه اعلام نشده است." (سایت "فرارو" تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۹۲)

نگاهی به تاریخ چند دهه اخیر نشان می دهد که مسأله دزدی های بی سابقه و ثروتهای نجومی که به بهای تشدید فقر و نابودی حیات میلیونها تن از توده های محروم، جیب مثتی از سران جمهوری اسلامی را پر می کند، به شکل غیر قابل انکاری با نظام حاکم یعنی سرمایه داری وابسته و مناسبات ارتجاعی ناشی از آن در جامعه تحت سلطه ما در هم تنیده شده است. در هر دوره ای از حیات انگلی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، به رغم تمامی شعارهائی که در برقراری "عدل" و حمایت از "مستضعفین" و مبارزه با "فساد" و... سر داده شده است، دولتهای حاکم و دار و دسته هایشان بدون استثناء، با استفاده از امتیازات و قدرت دولتی در شرایطی که به دلیل حاکمیت دیکتاتوری تمام عیار در جامعه امکان هیچ گونه بازرسی و حسابرسی وجود ندارد به چنان تبهکاری هائی برای غارت بیت المال و چاپیدن اموال عمومی، ارتشاء، رانت خواری و... دست زده اند که روی دولتهای غارتگر قبل از خود را نیز سفید کرده اند. فساد و ثروت اندوزی بی سابقه سرمایه داران رذل و آخوندهای حاکم در زمان ۸ سال جنگ ارتجاعی با عراق، دزدیهای کلان دوران به اصطلاح بازسازی بعد از جنگ توسط طایفه رفسنجانی که آن زمان وی را "سردار سازندگی" می نامیدند و در پایان ۸ سال ریاست جمهوری جنایتکارانه و تبهکارانه اش لقب "سردار چاپندگی" را از توده ها گرفت و تنها یک نمونه از دزدیهای زمان او به "دزدی قرن" معروف شد، فساد وحشتناک دوران ۸ سال اصلاحات که در پایان با به جا گذاردن میلیونها تن از توده های فقیر و تهیدست به ظهور یک نسل انگل صفت و فاسد "آزاده" های میلیاردی منجر شد، و بالاخره ۸ سال حاکمیت مزدور منفوری نظیر احمدی نژاد که با شعار آوردن "پول نفت" بر "سفره" مردم در واقع در طول ۸ سال، سفره خالی کارگران و زحمتکشان را هر چه بیشتر غارت نمود و دولت وی صد ها میلیارد دالر از درآمدهای بیسابقه نفتی را به جیب خویش و اربابانش سرازیر کرد و مقروضترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی را به جا گذارد، همه و همه فاکتهای کوچکی دال بر نهادینه بودن دزدی و فساد و ارتشاء در موجودیت ننگین نظام حاکم و رژیم جمهوری اسلامی می باشند. در پرتو چنین واقعیتی ست که طبق گزارشاتی که از سوی "سازمان شفافیت جهانی" در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی منتشر شد، اعلام گشت که ایران تحت حاکمیت

جمهوری اسلامی به لحاظ رشوت و فساد مالی یکی از فاسدترین کشورهای دنیاست؛ به شکلی که این رژیم با سقوط رتبه، به لحاظ فساد مالی در میان ۱۷۸ کشور دنیا، در رتبه ۱۴۶ و هم رده با چند کشور دیگر یعنی کامرون، ساحل عاج، لیبیا، نپال، پاراگوئه، هائیتی و یمن قرار گرفت.

برای درک چرایی این واقعیت و در بررسی ریشه دزدی های نجومی تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و علل حاکم بر روند فزاینده آنها در ۳۴ ساله اخیر باید به دو نکته اساسی توجه کرد:

اول آن که بورژوازی حاکم بر ایران نه همانند بورژوازی کشور های متروپل یک بورژوازی قائم به ذات بلکه یک بورژوازی انگل صفت است که تمام کارکرد آن در خدمتگزاری بی چون و چرا به امپریالیسم، انحصارات امپریالیستی و سیاستهای دیکته شده قدرتهای غارتگر جهانی خلاصه می شود. در ساختار دولتی این بورژوازی که بسیار متمرکز بوده و خلاف بورژوازی کشورهای متروپل با یک دیکتاتوری مطلق العنان و خشن تزئین شده است، هیچ "قانون" و "نهاد قانونی" که در عمل اجازه و اختیار تنظیم و نظارت بر اقدامات غیر قانونی نمایندگان سیاسی طبقه حاکم، فساد دولتی و دزدی و جرائم سازمان یافته توسط حکومت کنندگان را داشته باشد، اساساً وجود ندارد. در نتیجه وجود چنین مکانیزم ضد خلقی در این دیکتاتوری، دست طبقه حاکم و نمایندگان و دست اندرکاران رژیم را برای اعمال هر گونه غارتگری و جنایت و فساد و دزدی باز گذارده تا جایی که ارتکاب به این گونه جرائم و جنایات تابع هیچ قانون و عرفی نظیر آن چه حتی به طور نیم بند در کشورهای متروپل می بینیم نبوده و نیست. اصولاً رشد و گسترش قدرت و توان مالی بورژوازی وابسته حاکم بر ایران با برخورداری از چنین موقعیتی است که امکان پذیر شده و این طبقه ضمن اعمال یک دیکتاتوری خشن از کانال رژیم سیاسی خود، که تابع هیچ موازین قانونی و عرفی نیست، از این موقعیت حفاظت می کند. بیهوده نیست که در چنین ساختار و قدرت دولتی ما در ظرف مدت بسیار کوتاهی شاهد ظهور ثروتمندان افسانه ئی و یا تمرکز ثروت های نجومی در نزد سران این رژیم و ایادی آن ها می شویم که بسیاری از بورژواهای کار گشته در غرب و سرمایه داران کلان جهانی نیز در حسرت کسب آن می سوزند. در پیوند با همین واقعیت می توان دید که در کشورهای پیشرفته کشف دزدیها و رشوت خواریهها و فسادهای مرتبط با محافل قدرت که اتفاقاً از نظر ابعاد هم بسیار کوچکتر از موارد اتفاق افتاده در ایران هستند، ممکن است به تغییر وزیر و حتی دولت و رئیس جمهور بینجامد. در حالی که در چارچوب نظام دیکتاتوری حاکم بر کشور ما، دزدهای کلان هر بار با حمایت همان قدرت دولتی پست های مهمتر می گیرند و در مقامی دیگر برای ادامه چپاول و اعمال جنایت، در حق توده های مردم تثبیت می گردند.

واقعیت دیگری که در بررسی چگونگی و مکانیزم فساد و دزدی های انجام شده تحت حاکمیت جمهوری اسلامی باید به آن توجه کرد این است که افزایش کمی و کیفی دزدیها در تقریباً سه دهه اخیر به طور لایتجزایی با روند پیشبرد برنامه های امپریالیستی موسوم به خصوصی سازی توسط جمهوری اسلامی در کشور ما گره خورده است. نگاهی هر چند گذرا به تاریخ ۳۴ سال حکومت سیاه جمهوری اسلامی نشان می دهد که کلاً پیاده کردن پروژه های امپریالیستی در جوامع تحت سلطه به طور سیستماتیک فضاء و بستر لازم برای بالا بردن امکان مبادرت به فساد و غارت و دزدی های کلان و سازمان یافته توسط طبقه انگل صفت حاکم در چنین جوامعی را به خوبی فراهم می کند. به طور مشخص در مورد ایران اگر از ۸ سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق بگذریم که برای تأمین منافع اقتصادی و سیاسی امپریالیستها به راه افتاد و در عمل، نه فقط سود های کلانی به امپریالیست ها رساند بلکه جیبهای گشاد بورژوازی ایران را به قیمت مرگ و نیستی میلیونها تن و نابودی بسیاری از منابع و زیر ساختهای کشور، پر ساخت و آن ها را فرقه تر کرد، می بینیم که در دوره پس از جنگ نیز رژیم جمهوری اسلامی با ادعای به اصطلاح دوره بازسازی، کشور را با هجوم خانه خراب کن سرمایه های امپریالیستی مواجه کرد. نتیجه پیشبرد برنامه های خصوصی سازی، نسخه پیچانده

شده توسط ارگانهای امپریالیستی در ایران یعنی آزاد سازی قیمتها و حمله به سوبسیدهای دولتی، رها سازی قیمت ارز و سوخت و ... در طول ۸ سال، به سرعت میلیونها نفر از مردم ایران را به زیر خط فقر پرتاب کرد، اما همین برنامه های ضد مردمی در همان حال نسلی از آفازاده های وابسته به طبقه حاکم و نورچشمی هائی که برخی حتا تنها در طول چند شب میلیارد شدند را به منصفه ظهور رسانید. تداوم روند پیشبرد همین برنامه های خصوصی سازی امپریالیستها در ایران و هجوم وحشیانه تر به سفره کارگران و زحمتکشان در دوره خاتمی، از جمله امکانات مالی نجومی در اختیار فرماندهان سپاه پاسداران ضد خلقی قرار داد تا جائی که سپاه (که مستقیماً زیر نظر بیت رهبری و نماینده ولی فقیه اداره می شود) به عنوان یکی از بزرگترین نهادهای مالی غول پیکر در خاورمیانه نضج و گسترش یافت؛ علاوه بر این، در همان دوره خاتمی، در نتیجه تداوم پیشبرد خطوط برنامه های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، نسلی از رانت خواران وابسته به دولت و فرزندان و بستگان سرمایه داران رذل حاکم و آخوند زاده ها به وجود آمدند که از جان و مال و خون میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان قربانی برنامه های امپریالیستی، سفره های رنگین انداختند و برجهای غول پیکر ساختند و به راحتی با استفاده از حمایت محافل قدرت، یک شبه صاحب بسیاری از کارخانه ها و واحد های تولیدی سابقا دولتی و اکنون "خصوصی" شده و نعمات مادی ناشی از آن را کسب نمودند. در ادامه، در طول ۸ سال زمامداری احمدی نژاد که همان برنامه های امپریالیستی با شدت باز هم بیشتری پیش برده شد و به همین خاطر احمدی نژاد از "بانک جهانی" سر آخر تشویق نامه نیز گرفت، گروه جدیدی از ثروتمندان و غارتگران امثال بابک زنجانی ها و شهرام جزایری ها و ... به وجود آمدند؛ در حالی که گلوله نیروهای سرکوب، سینه مردم گرسنه و شورشی را می شکافت که با توجه به قطع سوبسیدها و بالا رفتن قیمت سوخت و به طور کلی در اعتراض به وضع موجود به خیابان آمده بودند، پورسانتازهای دریافتی برای حراج منابع نفت و گاز کشور در بارگاه قدرتهای امپریالیستی جیب گشاد کارگزاران رژیم را پر می کرد و میلیاردها دالر از درآمدهای نفتی بدون هیچ حسابرسی به راحتی در کابینه دولت و وزارتخانه های نفت و ... "غیب" می شد. در این دوره سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی و سرمایه داران رذل حاکم حتی از تشدید تحریمهای امپریالیستی که اثرات خانمان براندازی بر زندگی توده های محروم گذارد نیز سود بردند و ثروتهای میلیاردی انباشتند و گروهی از آنان به دلیل از دست دادن منافعشان، با وقاحت تمام در مخالفت با تلاش برای تخفیف و رفع تحریمها هر آنچه در توان داشتند انجام دادند؛ با این بهانه که رفع تحریمها به تجارت پر سود آنها لطمه می زند و برای "رونق اقتصادی" زیان بار است!

با توجه به چنین حقایقی ست که می توان بروشنی دید که چگونه فساد و دزدی های فزاینده در جامعه کنونی ایران رابطه مستقیمی با ماهیت نظام اقتصادی - سیاسی حاکم بر کشور ما و روند پیشبرد برنامه ها و منافع امپریالیستی در ایران داشته و دارد. آش آنقدر شور شده که حتا خان هم فهمیده و به صدا درآمده است. چنانچه روزی نامه جیره خوار جمهوری اسلامی در واکنش به افشای فساد مالی عظیم در ترکیه که یک پای آن هم جمهوری اسلامی می باشد و منابع مالی آن از "بیت المال" تأمین شده با اشاره به "سکوت" مقامات دزد و فاسد حاکم می نویسد که حفاظت از نظام جمهوری اسلامی از طریق عمل به وعدهها، پایبندی به قانون و برخورد قاطع با متخلفان امکان پذیر است و مسؤولان این نظام باید در صورت کوتاهی از انجام این وظیفه از طغیان غیرقابل پیشبینی لشکر فقر بترسند.

چنین است که به رغم تمامی ادعاهای مردم فریب دولتهای جمهوری اسلامی و دار و دسته های مختلف حکومتی که هر روز در به اصطلاح مخالفت با فساد و دزدی داد سخن می دهند و با درک "ترس" قابل فهم آنها از "لشکر فقر" باید گفت که در چارچوب چنین نظام نکبت بار و استثمارگری و تا زمانی که رژیم وابسته جمهوری اسلامی در مسند قدرت است، هیچ راهی برای تخفیف و از بین بردن دزدی های دولتی وجود ندارد. برای از بین بردن دزدی و ارتشاء

و ایجاد شرایطی که متضمن برافکندن فساد و دزدی باشد تنها اتکاء باید بر همین "لشکر فقر" باشد که دیر یا زود رژیم جمهوری اسلامی را که حامی بزرگترین دزدان تاریخ معاصر مملکت ماست به زباله دان تاریخ خواهند انداخت.

دی ماه ۱۳۹۲